



ساز مخالف مکرون و برخی رهبران اتحادیه اروپایی در سرسپردگی به آمریکا

نشانه آغاز روندی واگرایانه در غرب است

براندازی در غرب



علناً این را نگویند».

رئیس بلژیکی شورای اروپا که با یک شبکه تلویزیونی فرانسه صحبت می‌کرد، در ادامه حتی بر نظریه مورد اشاره مکرون هم صحنه گذاشت و گفت: «در مقایسه با

چند سال پیش جهشی در زمینه خودمختاری راهبردی وجود داشته است. اگر در اتحادیه اروپایی کسی فرض می‌کند ما کور کورانه و سیستما تیک موضع آمریکا را در همه مسائل دنبال می‌کنیم، خیر! اینطور نیست».

باید پس از این اظهارات نگران کننده از سوی رهبران شاخص اتحادیه اروپایی بود که خود را به لندن رساند تا در کنار شریک سنتنی انگلوساکسون آمریکا، برای اروپایی‌ها قدرتمندی کرده باشد ولی واقعیت این است که شده آمریکایی‌ها مهم‌ترین محرک آن بوده و هستند. این جنگ باعث شده چشم‌انداز یک نیروی نظامی مستقل پان‌اروپایی، طی یک سال اخیر زیر سایه فشارهای همه‌جانبه ناتو کم‌رنگ شود. اتحادیه اروپایی - به مرکزیت بروکسل - قاطعانه از حرکت‌های خصمانه واشنگتن برای مجازات روسیه با اعمال تحریم‌ها و تسلیح اوکراین حمایت کرده و در عین حال ضربه‌های اقتصادی سهمگینی را به خاطر قطع شراکت با روسیه پذیرفته است. با این حال گذشت چند روز اخیر ثابت کرد رویکرد براندازانه مکرون علیه سلطه بی‌چون و چرای آمریکا بر اروپا حمایتی جدی دارد.

چهارشنبه هفته قبل «شارل میشل» رئیس شورای اروپا در اظهارنظری سیاستمدارانه - که تمایل نسبی او را به اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه نشان می‌داد- گفت: «تعداد کمی از رهبران اروپایی هم‌موضع مکرون هستند که اتحادیه اروپایی نباید تابع سیاست‌های واشنگتن باشد، بویژه وقتی صحبت از چین می‌شود، حتی اگر

ستون‌های خودمختاری راهبردی قاره اروپا مطرح می‌کرد به طوری که اروپایی‌ها بدون آمریکا هم بتوانند از خود دفاع کنند تا به مرور این استقلال به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی توسعه یابد.

اظهارات مکرون چنان بر حاکمان آمریکایی گران آمد که سناتورهایی از هر ۲ حزب دموکرات و جمهوری‌خواه به او و دیگر سران اروپا درباره انتخاب طرف خود درباره مساله تایوان هشدار دادند و رسانه‌های شرکتی غرب تلاش کردند چنین وانمود کنند که فرانسه در حال جدا کردن مسیر خود از ناتو است.

جنگ اوکراین بسیاری از سران و ملت‌های اروپایی را متوجه اهمیت این دیدگاه کرده، جنگی که حالا آشکار شده آمریکایی‌ها مهم‌ترین محرک آن بوده و هستند. این جنگ باعث شده چشم‌انداز یک نیروی نظامی مستقل پان‌اروپایی، طی یک سال اخیر زیر سایه فشارهای همه‌جانبه ناتو کم‌رنگ شود. اتحادیه اروپایی - به مرکزیت بروکسل - قاطعانه از حرکت‌های خصمانه واشنگتن برای مجازات روسیه با اعمال تحریم‌ها و تسلیح اوکراین حمایت کرده و در عین حال ضربه‌های اقتصادی سهمگینی را به خاطر قطع شراکت با روسیه پذیرفته است. با این حال گذشت چند روز اخیر ثابت کرد رویکرد براندازانه مکرون علیه سلطه بی‌چون و چرای آمریکا بر اروپا حمایتی جدی دارد.

چهارشنبه هفته قبل «شارل میشل» رئیس شورای اروپا در اظهارنظری سیاستمدارانه - که تمایل نسبی او را به اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه نشان می‌داد- گفت: «تعداد کمی از رهبران اروپایی هم‌موضع مکرون هستند که اتحادیه اروپایی نباید تابع سیاست‌های واشنگتن باشد، بویژه وقتی صحبت از چین می‌شود، حتی اگر

«شی‌جین‌پینگ» چه شواهدی از پایان غرب را برای او رو کرد که در روز سوم حضورش در پکن، تن به آن بیانیه مشترک با شی داد که تماماً به منزله تأیید زاویه نگاه پکن به نظم جدید جهانی و نفی رویکرد آمریکایی به مسائلی چون بحران اوکراین، تحریم ایران و روسیه و دمیدن در ذهنیت جنگ سرد بود.

هنوز می‌شد بیانیه مشترک پاریس و پکن در چارچوب طرح صلح ۱۲ ماده‌ای چینی‌ها را یک اقدام دیپلماتیک عملگراییانه یا کاسکارانه از سوی رهبر قدرت اول اتحادیه اروپایی بر شمرده‌اگر و فقط اگر مکرون در پرواز بازگشت، آن سبلی تاریخی را به صورت حاکمان آمریکا، نه فقط دولتمردان دموکرات واشنگتن بلکه سران جمهوری‌خواه کنگره و ژنرال‌های پنتاگون نمی‌زد. او در گفت‌وگویی که در هوایما با خبرنگار تارنامای آمریکایی «پولیتیکو» داشت از کشورهای اتحادیه اروپایی خواست نظریه «خودمختاری راهبردی» را دنبال کنند.

مکرون به کشورهای اروپایی عضو ناتو توصیه کرد: «در بحران‌هایی که متعلق به ما نیستند گرفتار نشوید» رویارویی احتمالی آمریکا - چین بر سر تایوان را مثال زد و گفت: «بدتر این است که فکر کنیم ما اروپایی‌ها باید در این موضوع بیرون موضوع شویم و از دستور کار آمریکا و واکنش سخت چین استفاده کنیم».

دیدگاه «خودمختاری راهبردی» که مکرون پیش کشید، سال ۲۰۱۳ در اتحادیه اروپایی مطرح شده و سال ۱۶، ۲۰، به یکی از نظریه‌های مهم این اتحادیه تبدیل شده بود.

این نظریه توسط دولت فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور پیش از او مطرح شده بود که افزایش توان دفاعی و دستیابی به استقلال در حوزه دفاعی را به عنوان

نقش‌آفرینی سعودی‌ها در اجماع سران «ویک‌پلاس» برای کاهش تولید و افزایش قیمت نفت، ثابت کرد مساله ریاض با واشنگتن، نه یک اختلاف نظر سیاسی بین ۲ پادشاه مستقر یا حتی انتقام‌جویی بن‌سلیمان از بایدن بر سر ماجرای «خاشقچی»، بلکه اختلافی کاملاً راهبردی است. با این وجود، هر قدر هم دل‌های گلو شیریده و سواری دادنش به غرب در منطقه طی نیم‌قرن گذشته را برای آمریکایی‌ها مهم بدانیم، باز هم ملک سلمان و پسرش، شخصیت‌هایی خارج از گعده آنکلوپه‌یونی محسوب می‌شوند.

امانوئل مکرون اما از همان روزی که وارد عرصه سیاست فرانسه شد به عنوان «کارمند ورتشیلدها» مشهور بود. بر کسی پوشیده نیست که او ۶ سال پیش با حمایت مستقیم خاندان‌های بانکدار یهودی ۲ سوی اقیانوس اطلس و رسانه‌های تحت امرشان، یک‌شنبه با حزب لیبرال صورتی‌اش، ۲ حزب باسابقه سوسیالیست و جمهوری‌خواه فرانسه را کنار زد و به کاخ الیزه رسید. این سیاستمدار ژینگولو در این مدت برای بازگرداندن جایگاه بین‌المللی فرانسه به هر دری زد و حتی حاضر شد وارد مناسباتی نازل مثل دلالی مبادله نخست‌وزیر به گروگان گرفته شده لبنان توسط ولیدع سعودی شود. قطعاً رئیس‌سیاست‌تصورش را هم نمی‌کرد به فاصله چند روز بعد از آن شوک عربی، رئیس‌جمهور فرانسه که سفر خود به چین را با مشاوره تلفنی با همتای ۸۰ ساله آمریکایی‌اش آغاز کرده بود، هنوز به پاریس بازنگشته، روی آسمان پنبه آمریکا را برزند.

امانوئل مکرون وقتی از پاریس به شرق دور می‌پرد و حتی در روز اول مذاکره با همتای چینی‌اش، هنوز هوای آقایی سپری‌شده غرب را در سر داشت ولی معلوم نشد

گروه بین‌المللی: این روزها بحث‌های مربوط به نفی سلطه آمریکا در خود محافل قدرت غرب و متحدان غرب، چنان گل انداخته که دیگر حتی گاف‌های دیدنی و شنیدنی جو بایدن، از جمله عبارت داغ داغ «بیا بیاید دنیا را لیس بزنیم» که همین جمعه گذشته در دوبلین بر زبان آورد، جذابیت گذشته را برای رسانه‌های جریان اصلی از دست داده است. امروز آنچه برای افکار عمومی بین‌المللی اهمیت یافته، دیگر نه اخبار رسوایی نظام آمریکا بلکه تحولات مربوط به فروپاشی هیمنه آن است.

همزمانی موضع‌گیری‌های ضدآمریکایی ۲ رهبر پیشاهنگ اتحادیه اروپایی با محاکمه رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده که جرم واقعی‌اش مخالف‌خوانی و نظام حاکم بر امریکاست و همین‌طور سلیبی شوک‌برانگیز آل‌سعود - گلو شیریده همیشگی آمریکایی‌ها - به واشنگتن با چرخش ناگهانی از غرب به شرق، می‌تواند یک لحظه تاریخی نامدین را صورت‌بندی کند؛ لحظه‌ای که می‌توان آن را به اقدام برای براندازی نظام سلطه ۴۰۰ ساله غرب از درون تشبیه کرد.

اولیم برنز که تنها ۲ روز بعد از توافق پکن، خود را به ریاض رساند، به بن‌سلیمان گلایه کرد که کاخ سفید از آشنی‌جویی عربستان با ایران و سوریه آن هم در حالی که هر دو هنوز تحت تحریم‌های غرب هستند، شوکه شده است. تازه این اول کار بود؛ چرا که متعاقب آن

تیتراهای امروز

آیا افشای اسناد فوق‌محرمانه پنتاگون توسط یک عضو گارد ملی نیروی هوایی آمریکا اقدامی در مخالفت با دادگاهی کردن دونالد ترامپ است؟

دروغ‌بایدن درباره اوکراین



افشای محتوای جلسه لیدرهای جریان ضدایرانی با غربی‌ها مبنی بر درخواست بمباران ایران

دومینوی رسوایی

به دنبال افشای قانون افزایش سن بازنشستگی توسط رئیس‌جمهور فرانسه، اعتراضات سراسری در این کشور شدیدتر شد

مکرون فرانسه را شعله‌ورتر کرد

بیمان‌های پولی، افزایش کربدوهای تجاری و تجارت با کشورهای همسو به حذف دلار از نظام تجاری ایران کمک می‌کند

توسعه‌گر بیدور محور پیشرفت

یادداشت

ارائه پیشنهاد توافق موقت جدید نیست

دکتر سیدمصطفی خوش‌چشم: این روزها صحبت‌های زیادی از طرف واشنگتن و همین‌طور رسانه‌های آمریکایی به گوش می‌رسد مبنی بر اینکه آمریکا به دنبال یک توافق موقت با جمهوری اسلامی ایران است که البته وزارت خارجه ایالات‌متحده مورد اخیر یعنی این ادعا را که آمریکا از اواخر دی و بهمن به ایران پیشنهاد قرارداد موقت یا توافق موقت داده تکذیب کرد.

۱- ارائه پیشنهادی توافق موقت چیز جدیدی نیست. از بیش از یک سال پیش یعنی از زمستان ۱۴۰۰، آمریکایی‌ها مکرراً موضوع توافق موقت را در رسانه‌ها در محافل ویژه مطرح می‌کردند تا نظر ایران را در این باره بدانند و به عبارتی مظنه بگیرند تا اگر گفت‌وگوهای وین به احیای کامل برجام نینجامد، حداقل یک توافق موقت باشد که اصلی‌ترین امتیازات جمهوری اسلامی ایران را از دستان تهران در بیاورد. مهم‌ترین اهرم فشار جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات وین، غنی‌سازی ۶۰ درصد است و همانطور که این روزها در رسانه‌های غربی و اسرائیلی شایع شده، آنچه از مفاد پیشنهاد اخیر توافق موقت از زبان آمریکایی‌ها بیان می‌شود، این است که طرف ایرانی غنی‌سازی ۶۰ درصد را متوقف کند. به عبارتی، آمریکایی‌ها طی ۲ سال گذشته مذاکرات، چه در چارچوب مذاکرات وین و چه در گزارش‌ها یا شایعات یا پیشنهادهای که در زمینه توافق موقت می‌دهند، همواره خواستار از بین بردن اصلی‌ترین اهرم فشار جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند در حالی که طرف مقابل آنچه پیشنهاد می‌کند تعلق

بخش بسیار کوچکی از تحریم‌های هسته‌ای است(! این در حالی است که حتی تعلق همه تحریم‌های هسته‌ای چنانکه در زمان اجرای برجام هم مشاهده شده، به هیچ‌عنوان نمی‌تواند مشکلات عدیده مربوط را حل کند، چرا که تحریم‌ها یک شبکه پیچیده تو در تو است که باید همگی آنها یا بخش بزرگی از آنها به طور کامل رفع شوند تا بتوان از مواهب اقتصادی احتمالی‌شان بهره‌مند شد و همانطور که در زمان برجام - که دیگر تحریم‌های موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشری نسبت به زمان کنونی کمتر هم بود - دیدیم، حتی برداشتن شدن تحریم‌های هسته‌ای ثانویه هم نتوانست آن توقع اقتصادی را که دولت آقای روحانی از این مورد داشت برآورده کند و به قول آقای دکتر سیف، رئیس کل وقت بانک مرکزی منتهی به «تقریباً هیچ» شد.

ادامه در صفحه ۶

نگاه

نویسنده مؤمن: افشای جاسوسی تلفنی مقامات آمریکایی از

رئیس‌جمهور کره‌جنوبی و دیگر مقامات ارشد این کشور با هدف رصد مکالمات آنها درباره جنگ اوکراین، بار دیگر از ماهیت روابط واشنگتن و شبکه پیرو آن در جهان سیاست پرده برداشت؛ اسول که دهه‌هاست خود را به عنوان بازیگری وابسته به آمریکا تعریف کرده و اتحاد سنتنی با واشنگتن را حتی با پیشگیری از تنش‌های مزمن در شبه‌جزیره کره معاوضه نکرده است، اکنون با مستندات جاسوسی سازمان‌یافته مقامات آمریکایی از «دوستان» از یکدیگر جاسوسی نمی‌کنند و دستنهادات خود مواجه بوده و کسی از مقامات کاخ سفید و پنتاگون نیز می‌موضوع را تکذیب نکرده است!

کرای‌ها نسبت به آنچه افشاشده عصبانی به نظر می‌رسند! مقامات سنثول می‌گویند در بررسی این پرونده و ابعاد آن، تردیدی به خود را نخواهند داد اما کرای‌ها کمی اشتباه می‌کنند؛ بدون شک در آینده نزدیک مقامات امنیتی آمریکا از جمله سران آژانس

دست‌مزید آمریکا به کرای‌ها!

پرونده منع شدن! دلیل این معانعت، تهدید سازمان سیا و دیگر نهادهای امنیتی آمریکا مبنی بر افشای خیانت‌های امنیتی متحدان واشنگتن بوده و هست. این قاعده کره‌جنوبی هم صادق است. پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بسیاری از متحدان آمریکا در نظام بین‌الملل، در اقداماتی مغایر اصول ملی و امنیتی خود، اطلاعات بسیاری از شهروندان‌شان را در اختیار دستگاه‌های امنیتی آمریکا قرار دادند. فراتر از آن، برخی دستگاه‌های امنیتی کشورهای مخاطب آمریکانیز پروژه‌هایی پنهان را با واشنگتن درباره جاسوسی از دیگر کشورها صورت داده‌اند که افشای آنها، اکنون برای آنها شدیداً هزینه‌ساز بوده و حتی ممکن است منجر به قطع روابط آنها با بازیگران هدف (بازیگرانی که مورد جاسوسی مشترک آنها و آمریکا بوده‌اند) شود.

و ما شاهد آن هستیم. این مساله، سیاست میان‌قارای اروپا و آمریکا را برای مدتی به خود مشغول خواهد کرد».

اکنون افکار عمومی کره‌جنوبی درصدد هستند ابعاد، عمق و حتی جزئیات جاسوسی‌های تلفنی و اینترنتی مقامات آمریکایی از سیاستمداران خود را در یابند اما این تقاضای مشروع کرای‌ها با پاسخی از سوی مقامات امنیتی - سیاسی واشنگتن مواجه نخواهد شد؛ به‌زودی رایزنی‌های آمریکا با مقامات کرای بر سر خاتمه دادن اجرائی بنیاد «هرتسمان» درباره جاسوسی‌های ممتد ستول نیز با توجه به سوءسوابقی که در همکاری‌های مشترک جاسوسی با آمریکا داشته، به این معامله اجرائی متن خواهد داد! این داستان تکراری سال‌هاست ادامه دارد و نمادی از حقارت متحدان و مهرهای واشنگتن در جای جای دنیا است؛ در این معادله، تفاوتی میان دولت‌های پرادعای اروپایی که هدف جاسوسی هدفمند آمریکا قرار گرفته‌اند و بازیگرانی مانند کره جنوبی، ژاپن و استرالیا وجود ندارد.